

## [ترجمه‌ای از متن انگلیسی]

[توضیحات مترجم در داخل کروشه قرار گرفته است]

[روزنامه: اکو - روزنامه عصر]

[تاریخ: دوشنبه ۵ آوریل ۱۹۸۲ - [۱۶ فروردین ۱۳۶۱]

قتل عام در سکوت

بقلم سیدنی ریچاردسون - اعدام پیروان یکی از فرقه‌های دینی در ایران

پیروان یکی از ادیان جهانی در ایران، امروز در معرض آزار و کشتاری قرار دارند که تکراری از وحشت، و شرم‌آورترین دوره‌های در تاریخ بشر است.

این کلمات بدون هیچگونه غلیان احساسی از زبان یک بانوی جوان ایرانی شنیده میشود که از دور شاهد ظلم بیرحمانه علیه بهائیان در ایران است.

آخرین شباهت تاریخی این جنایات را در آلمان نازی و در مقابل یهودیان میتوان مشاهده کرد. بهائیان در ایران - که زادگاه دیانتشان در اواسط قرن گذشته است - بطور سیستماتیک از زندگی و هستی ساقط میشوند.

این زن جوان که به همراه همسرش در شهر هرت فورد شایر در امنیت و به دور از دسترس مآلیان و دادگاههای خونریزشان، به کار و زندگی خود ادامه میدهند، کاری بجز دعا برای حفظ و سلامتی سیصد هزار از همکیشان خود در ایران از دستشان برنمی‌آید.

امیدی در چشم انداز دیده نمیشود. در ماه دسامبر گذشته کلیه اعضای محفل ملی بهائیان به غیر از یک نفر دستگیر و بدون محاکمه اعدام شدند.

هفته ماه قبل از آن، نه نفر اعضای پیشین محفل ملی نیز با تهدید اسلحه از جلسه‌ای که تشکیل داده بودند بیرون کشیده شدند و پس از آن دیگر کسی آنان را ندید. امروز هنوز مقامات دولتی از سرنوشت آنان اظهار بی اطلاعی میکنند.

اجسادى که تصادفاً کشف شدند

امروز نه نفر دیگر بعنوان مدیران جامعه بهائی انتخاب شده‌اند ولی شانس زنده ماندنشان بسیار کم است مگر اینکه بهائیان که دارای صد و یازده هزار محفل در سرتاسر جهان هستند افکار جهانیان را در مورد این کشتارها آگاه کنند.

این در حدّ خود کاری غیر ممکن به نظر می‌آید. بهائیان از شرکت در فعالیت‌های سیاسی و ابراز خشونت، حتی در مقابل این قبیل قساوت‌های خانمانسوز اولیای امور، ممنوع هستند. دین آنها می‌خواهد که از دولت در اقتدار اطاعت کنند.

بهائیان در سرتاسر انگلستان، از جمله در شهرهای واتفورد، لوتون، سنت آلبانس و همل هستند، گرد هم آمدند تا درباره وضعیت بهائیان در ایران مذاکره کنند. چهار نفر آنان ایرانی بودند.

کیث مک دونالد منشی محفل روحانی سنت آلبانس گفت: "قبلاً رژیم بعضی از ظواهر امر از قبیل انجام محاکمه را رعایت می‌کرد ولی امروز افراد فامیل و دوستان محکومین نمیدانند که چه بر سر عزیزانشان خواهد آمد.

اجسادى تصادفاً پیدا شده‌اند که آنها را در زمینی که برای دفن کافرها در نظر گرفته شده، افکنده‌اند. خویشان و نزدیکان باید برای پیدا کردن اجساد عزیزانشان اطراف را جستجو کنند."

بنا به گفته بهائیان به نظر میرسد که تا بحال ۱۱۰ تن از پیروان بهائی اعدام شده‌اند. از زمان انقلاب در سال ۱۹۷۹ که منجر به سقوط شاه (که خود او هم نظر مساعدی با بهائیان نداشت و در محدود ساختن آنان سهم عمده‌ای بر عهده داشت) شد ۲۵۰ نفر دیگر هم ناپدید شده‌اند.

بیم آن می‌رود که فعالیت‌هایی بمنظور ریشه کن ساختن این دینانت در ایران در جریان باشد. بهائیان که از بسیاری شغل‌ها رانده شده‌اند اکنون نیز با خطری جدی در مقابل موجودیت خود روبرو هستند.

سازمانهای مخوف

کارتهای شناسایی جدیدی برای تنظیم آمار ایرانیان صادر شده که در آن افراد باید دینانت خود را هم ذکر کنند. بهائیان در قانون اساسی ایران منظور نشده‌اند و به نظر نمی‌آید که کارتی به آنها تعلق بگیرد.

بدون این کارتها تهیه ارزاق، کوپن‌های جیره بندی و سایر مایحتاج اولیه امکان پذیر نیست. تنها راه نجات آنها از این خفقان، انکار عقیده‌شان است.

یکی از اعضای این گروه که تاجری بازنشسته و در همل هستید زندگی میکند اظهار داشت "آنها سعی دارند زندگی ساده را بر بهائیان غیرممکن سازند مگر اینکه از دین خود برگردند. ولی آنها هرگز چنین کاری را نمی‌کنند و جان خود را برای دینانت خود می‌دهند."

به نظر یکی از دو نفر بانوان این گروه، سازمان مخوفی برای ریشه کن کردن بهائیان در ایران مشغول کار است. او می‌گوید "مطمئن نیستم چه رابطه‌ای بین این سازمان و دولت در میان است ولی فکر می‌کنم این سازمان بخشی از نقشه‌ای باشد که برای نابودی بهائیان در ایران طرح ریزی شده است."

او می‌گوید در بین ایرانیان تحصیل کرده کسانی هستند که دوستان بهائی دارند. "آنها هرگز بدخواه بهائیان نیستند. ولی در بین روستائیان نادان که کوچکترین اطلاعی از بهائیت ندارند، هستند کسانی که گروه ارادل و اوباش را بر علیه آنان تحریک کنند."

جاسوسی برای غرب

رژیم آیت الله خمینی با جدیت کامل آزار دینی را تکذیب میکند و دولت ایران هیچ گونه درخواستی از جانب اتحادیه اروپا، سازمان ملل و دولت های مختلف را نمی‌پذیرد. تنها جواب دولت در مقابل این درخواستها آن است که اعدام شدگان بهائی به علت "جاسوسی" برای غرب مجرم شناخته شده‌اند.

یک مسئول سفارت ایران در لندن، همان جواب همیشگی را به این صورت تکرار کرد "وقتی کسی جرمی را مرتکب میشود، دستگیری و بازجویی از او بخاطر مرام سیاسی و یا مذهبی او نیست."

دوره‌های آرامش

پرونده دولت اسلامی از آغاز انقلاب ۱۹۷۹ تا کنون، شاهد ماجراهای مختلف بوده است. بهائیان هم بی حرمتی‌ها و ویرانی امکنه مقدس خود، و همچنین توقیف و مصادره اموال، مغازه‌ها و زمین‌های کشاورزی همکیشان خود را به چشم دیده‌اند.

بهائیان از داشتن شغل‌های دولتی، حق رأی، و فرستادن اطفال خود به مدارس محروم هستند. ازدواج بهائی در ایران به رسمیت شناخته نمیشود و همسران بهائی ممکن است به جرم فحشاء تحت تعقیب قرار گیرند.

از سال ۱۸۴۴ که دینانت بهائی در ایران شکل گرفت، سرنوشت بهائیان همواره همراه با کشتار و اعدام رقم خورده است. در طول سالها در بین این طوفانها، دوره‌های نسبی آرامش نیز وجود داشته است.

آخوندهای مسلمان، که حضرت محمد را بعنوان آخرین فرستاده خدا قبول دارند، بهائیان را کافر میدانند زیرا آنها، محمد، عیسی و هر یک از پیامبران را بصورت فصلی از ظهور مداوم الهی میشناسند.

مسلمانان متعصب، اعتقاد بهائیان به تساوی حقوق زن و مرد را تقبیح میکنند.

صاحبخانه ایرانی اظهار میدارد که دوستان ایرانی و مسلمان همسر او از ایران نوشته‌اند "دلماں برایت تنگ شده ولی برنگرد."

[عکس:]

افراد حاضر در این عکس به غیر از یک نفر، بقیه بدون کوچکترین اثری، کشته و یا ناپدید شده‌اند. آنها رهبران دیانت بهائی در ایران بوده‌اند که متهم به جاسوسی برای امپریالیست و یا صهیونیست شدند. چند نفر از بهائیان محل که در مورد آزار و ستم مقامات ایرانی با همکیشان خود، با روزنامه اکو گفتگو میکردند بعضی از آنان را می‌شناختند. دو نفر از آنان از اقوام نزدیک یکی از بهائیان محل بودند و دیگری دوستی ۳۰ ساله داشت.

کسی که از آن مهلکه جان بدر برد خانمی بود که بعثت کسالت، در آن جلسه ماه دسامبر محفل ملی که طی آن همکارانش دستگیر شدند حضور نداشت. او فعلاً در خفا بسر میبرد. عکس او به دلایل ایمنی محفوظ نگاه داشته شده است.

راههای فرار

نشسته ردیف جلو، نفر دوم از سمت چپ دکتر حسین نجی متخصص جراحی قلب و رئیس محفل ملی بود.

دکتر نجی اکنون مفقود و به نظر میرسد که کشته شده باشد. او با همسر و دختر خود مدتی در وانفورد زندگی می‌کرد و در سال ۱۹۶۰ به ایران بازگشت. محفل بهائیان وانفورد در سال ۱۹۶۲ تشکیل شد.

همسران دو تن از اعدام شدگان در دستگیریهای اخیر، اکنون در انگلیس بسر میبرند. آنها توانستند مخفیانه از ایران بگریزند. آنها تا دو هفته پس از دستگیری همسران خود، از سرنوشت آنان بی اطلاع بودند.

وحشت آنان هنگامی به حقیقت پیوست که یکی از مسئولین زندان اوین به پدر یکی از بهائیان مفقود شده تلفن کرد و گفت که میتواند جسد پسرش را از زندان تحویل بگیرد.

پسر یکی از بانوانی که فعلاً در انگلیس بسر میبرد به روزنامه اکو گفت: "آنها جنازه‌ها را تحویل ندادند و آنان را در محلی که برای دفن "کافر" ها در نظر گرفته بودند مدفون ساختند. تنها راه شناسایی محل دفن جسدها، نمره‌ای است که به هر قبر داده‌اند. هیچ سنگ و نشانی دیده نمیشود و فقط یک نمره. آنها اجازه قرار دادن گل و یا هیچ چیز دیگر بر روی قبرها را ندارند."